

<p>پایه : دهم رشته : علوم انسانی درس : دوم نام طراح : پرویز شیخ</p>	<p>باسمه تعالی معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش دفتر آموزش متوسطه نظری دبیر خانه راهبری کشوری درس عربی تولید شده در استان گلستان</p>	<p>محتوای نوشتاری کتاب : عربی زبان قرآن (۱) سال تحصیلی : ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹</p>
---	---	--

عنوان / موضوع : محتوای نوشتاری درس اول کتاب عربی دهم رشته علوم انسانی

اهداف یادگیری :

- ۱- متن درس را درست بخواند و ترجمه کند.
- ۲- معنای کلمات جدید درس را از عربی به فارسی ذکر کند.
- ۳- عددهای یک تا صد را به صورت تنها و بدون معدود از حفظ بگوید.
- ۴- عددهای اصلی و ترتیبی را در جمله تشخیص دهد و اعداد ترتیبی یکم تا بیستم را از حفظ بگوید.
- ۵- اعداد عقود را ذکر کند و حرکت حرف آخر آنها را درست تشخیص دهد.
- ۶- اعداد معطوف را که حرف واو بین دو عدد می آید ، تشخیص دهد.
- ۷- معدود اعداد یک و دو ، سه تا ده و یازده تا نود و نه را ذکر کند.
- ۸- بداند که در زبان عربی یکان پیش از دهگان می آید.
- ۹- عملیات ریاضی را در زبان عربی ذکر کند.
- ۱۰- بداند که گاهی حرف اضافه معنای فعل را تغییر می دهد.
- ۱۱- اسم های مفرد ، مثنی ، جمع و مترادف و متضاد را در جمله تشخیص دهد.

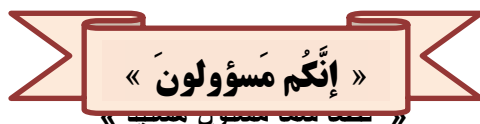
چکیده نکات مهم درس در قالب جمله های کوتاه به زبان ساده :

۳- پاسخ

۲- قواعد عدد و معدود

۱- ترجمه درس

تمرینات



ترجمه درس دوم

- ۱- كَانَتْ سَمِيَّةٌ بِانْتِظَارِ وَالِدَتِهَا بَعْدَ انْتِهَاءِ الدَّوَامِ الْمُدْرَسِيِّ ،
سمیه پس از پایان ساعت کار مدرسه منتظر مادرش بود.
- ۲- وَ كَانَتْ حُجْرَاتُ الْمَدْرَسَةِ مُغْلَقَةً ،
و کلاسهای (اتاق های) مدرسه بسته بود ،
- ۳- وَ كَانَتْ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ وَ بَعْضُ الْمُدْرَسَاتِ يَنْتَظِرْنَ أَنْ تَفْرَغَ الْمَدْرَسَةُ مِنَ الطَّالِبَاتِ .

و مدیر مدرسه و برخی از معلم ها منتظر بودند (انتظار می کشیدند) که مدرسه از دانش آموزان خالی گردد.

۴- عِنْدِنِذِ سَمِعْتُ سُمِيَّةَ صَوْتَ مُكَيِّفِ الْهَوَاءِ مِنْ إِحْدَى الْخُجْرَاتِ ،

در این هنگام سمیه صدای کولر را از یکی از اتاق ها شنید ،

۵- فَظَنَنْتُ أَنَّ طَالِبَاتِ صَفِّ آخَرَ فِي حِصَّةِ تَقْوِيَةٍ ، أَوْ يُمَارِسْنَ نَشَاطًا حَرًّا ؛

پس گمان کرد که دانش آموزان کلاسی دیگر در کلاس تقویتی اند ، یا به فعالیت آزادی مشغول هستند ؛

۶- وَ عِنْدَمَا نَظَرْتُ بِدِقَّةٍ ، وَجَدْتُ الْخُجْرَةَ فَارِعَةً وَ بَابَهَا مُغْلَقًا ،

و آنگاه که (وقتی که) با دقت نگاه کرد ، اتاق را خالی و درش را بسته یافت.

۷- فَذَهَبْتُ إِلَى مُدِيرَةِ الْمَدْرَسَةِ ، وَ أَخْبَرْتُهَا بِمَا شَاهَدْتُ ،

پس به سوی مدیر مدرسه رفت و او را از آنچه دید با خبر کرد ،

۸- فَشَكَرَتْهَا الْمُدِيرَةُ ، وَ طَلَبْتُ مِنْ سُمِيَّةَ إِطْفَاءَ الْمَصَابِيحِ وَ الْمُكَيِّفِ.

پس مدیر از او تشکر کرد و از سمیه خواست چراغ ها و کولر را خاموش کند. (خاموش کردن چراغ ها و

کولر را خواست)

۹- عِنْدِنِذِ شَاهَدْتُ الْمُدِيرَةَ طَالِبَةً بِاسْمِ فَاطِمَةَ ؛

در این هنگام مدیر دانش آموزی به نام فاطمه را دید ؛

۱۰- كَانَتْ فَاطِمَةُ تَذْهَبُ لِإِعْلَاقِ حَنْفِيَةِ الْمَاءِ الَّتِي كَانَتْ مَفْتُوحَةً قَلِيلًا.

فاطمه برای بستن شیر آبی که کمی باز بود می رفت.

۱۱- وَ فِي صَبَاحِ الْيَوْمِ التَّالِيِ ، شَكَرْتُ مُدِيرَةَ الْمَدْرَسَةِ فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ سُمِيَّةَ وَ فَاطِمَةَ لِاهْتِمَامِهِمَا بِالْمُرَافِقِ الْعَامَّةِ.

و در صبح روز بعد ، مدیر مدرسه در صف صبحگاه از سمیه و فاطمه به خاطر توجه آنها به تأسیسات عمومی سپاسگزاری کرد.

۱۲- وَ فِي حِصَّةِ الْعُلُومِ الْاجْتِمَاعِيَّةِ ، قَامَتِ رُقِيَّةُ وَ سَأَلَتْ الْمُدْرَسَةَ :

و در زنگ علوم اجتماعی ، سمیه برخاست و از معلم پرسید :

۱۳- « مَا الْمَقْصُودُ بِالْمُرَافِقِ الْعَامَّةِ ؟ » منظور از تأسیسات عمومی چیست ؟

۱۴- أَجَابَتْ الْمُدْرَسَةُ : « هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي تَمْتَلِكُهَا الدَّوْلَةُ ، وَ يَنْتَفِعُ بِهَا النَّاسُ جَمِيعًا.

معلم پاسخ داد : آن مکان هایی است که دولت مالک آن است ، و همه ی مردم از آن سود می برند.

۱۵- إِذَا فَهَمْتِ مَعْنَاهَا ، فَادْكُرِي لَنَا أَمْتَلَةً لِلْمُرَافِقِ الْعَامَّةِ.

اگر (هرگاه) معنایش را فهمیدی ، برایمان برای تأسیسات عمومی مثال هایی ذکر کن.

۱۶- أَجَابَتْ رُقِيَّةُ : « الْمَدَارِسُ وَ الْهَوَاتِفُ الْعَامَّةُ وَ الْمُسْتَشْفَيَاتُ وَ الْمُسْتَوْصَفَاتُ وَ الْمَتَاحِفُ وَ الْمَكْتَبَاتُ وَ دَوْرَاتُ

الْمِيَاهِ وَ

الْحَدَائِقُ الْعَامَّةُ وَ الْأَشْجَارُ عَلَى الرَّصِيفِ وَ أَعْمَدَةُ الْكَهْرِبَاءِ ... »

رقیه پاسخ داد : مدرسه ها ، تلفن های عمومی ، بیمارستان ها ، درمانگاه ها ، موزه ها ، کتابخانه ها ،

سرویس های

بهداشتی ، پارک های عمومی ، درختان کنار پیاده رو و تیرهای برق ... »

- ۱۷- اجابتِ الْمُدْرَسَةِ : « أَحْسَنْتِ ، وَ الْحِفَاظَ عَلَى هَذِهِ الْمَرَاقِقِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ . »
 معلم پاسخ داد : « آفرین بر تو و نگهداری از این تأسیسات بر هر شهروندی واجب است. »
 ۱۸- سَأَلَتِ الطَّالِبَاتُ بِتَعْجُبٍ : « لِمَ وَ كَيْفَ ؟ ! ذَلِكَ وَاجِبُ الدَّوْلَةِ . »
 دانش آموزان دختر با شگفتی پرسیدند : « چرا و چگونه ؟ ! آن وظیفه ی دولت است. »

۱۹- قَالَتِ الْمُدْرَسَةُ : « بَلْ هِيَ مَسْئُولِيَّةٌ مُشْتَرَكَةٌ ، فَسَمِيَّةُ الَّتِي أَطْفَأَتِ الْمُكَيِّفَ وَ الْمَصَابِيحَ ،
 خانم معلم گفت : البته آن مسئولیتی مشترک است ، پس سمیه که کولر و چراغ ها را خاموش کرد ،
 ۲۰- وَ فَاطِمَةُ الَّتِي أَغْلَقَتِ حَنْفِيَةَ الْمَاءِ وَ الطَّالِبَةُ الَّتِي تَدْخُلُ مَكْتَبَةَ الْمُدْرَسَةِ فَتَحْفَظُ عَلَى الْهُدُوءِ فِيهَا وَ عَلَى نِظَافَةِ
 الْكُتُبِ وَ تَرْتِيبِهَا ،

و فاطمه که شیر آب را بست و دانش آموزی که وارد کتابخانه مدرسه می شود و آرامش را در آن و پاکیزگی
 کتاب ها و

ترتیب آنها را حفظ می کند ،

۲۱- وَ تِلْكَ الَّتِي تَنْصَحُ مَنْ يَرْمِي النِّفَايَاتِ فِي غَيْرِ مَكَانِهَا بِكَلَامٍ طَيِّبٍ ؛

و آن که (دانش آموزی که) ، کسی را که زباله ها را در غیر جای مناسبش می اندازد با کلامی خوب (زبانی
 خوش)

نصیحت می کند ؛

۲۲- هَوْلَاءِ يَعْمَلْنَ بِوَأْجَابَتِهِنَّ كَمُوَاطِنَاتٍ يَشْعُرْنَ بِالْمَسْئُولِيَّةِ . »

این ها مانند شهروندانی که احساس مسئولیت می کنند به وظایف شان عمل می کنند. »

۲۳- قَامَتِ سَمِيَّةُ وَ قَالَتْ : « أَلَيْسَ مِنَ الْمُنَاسِبِ كِتَابَةُ هَذَا الْحَدِيثِ عَلَى اللُّوْحَةِ الْجِدَارِيَّةِ ؟ »

سمیه برخاست و گفت : « آیا نوشتن این حدیث روی تابلوی دیواری مناسب نیست ؟ »

۲۴- إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ . أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)

قطعاً شما مسئول هستید حتی در مورد زمین ها و چارپایان.

۲۵- قَبِلَتِ الْمُدْرَسَةُ وَ قَالَتْ : « هَذَا الْاِفْتِرَاحُ حَسَنٌ ، وَ سَنَتَعَاوَنُ جَمِيعاً عَلَى الْعَمَلِ بِهَذَا الْحَدِيثِ . »

خانم معلم پذیرفت و گفت : این پیشنهاد ، خوب است و همگی برای عمل به این حدیث همیاری (همکاری)
 خواهیم کرد.

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

x

✓

✓ (۱) كَانَتْ سُمِيَّةً بِانْتِظَارِ وَالِدَتِهَا لِلذَّهَابِ إِلَى الْمَنْزِلِ .

المعجم

سمیه منتظر مادرش برای رفتن به خانه بود .

x

(۲) ذَهَبَتِ الْمُدِيرَةُ نَفْسَهَا لِإِطْفَاءِ الْمَصَابِيحِ وَ الْمُكَيَّفِ .

مدیر خودش برای خاموش کردن چراغ ها و کولر رفت .

✓

(۳) أَخْبَرَتِ سُمَيَّةُ مُدِيرَةَ الْمَدْرَسَةِ بِمَا شَاهَدَتْ فِي الْحُجْرَةِ .

سمیه مدیر مدرسه را با خبر کرد به آنچه در اتاق دیده بود .

x

(۴) الْمَرَافِقُ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَاكُنُ الَّتِي يَمْتَلِكُهَا بَعْضُ النَّاسِ .

تأسیسات عمومی همان مکان هایی هستند که برخی مردم آنها را در اختیار دارند . (مالک می باشند)

x

(۵) شَكَرَتِ الْمُدِيرَةُ فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ جَمِيعَ الطَّالِبَاتِ .

مدیر در صف صبحگاهی از همه دانش آموزان تشکر کرد .

<p>مُكَيِّفُ الْهَوَاءِ : کولر</p> <p>مُؤَاطِن : شهروند ، هم میهن</p> <p>نَشَاط : فعالیت</p> <p>نَصَح : پند داد</p> <p>نُفَايَةِ : زباله</p> <p>هُدُوء : آرامش</p> <p>هَاتِف : تلفن</p> <p>سَائِح : گردشگر</p> <p>مَا أَجْمَل : چه زیباست !</p> <p>شَعَب : ملت</p> <p>مِضْيَاف : مهمان دوست</p> <p>أَرْسَلْنَا : فرستادیم</p> <p>لَبِثَ : درنگ کرد</p> <p>جَاءَ بِ : آورد</p> <p>سَمَاع : شنیدن</p>	<p>حَافِظ : نگهداری کرد</p> <p>حُجْرَات : اتاق ها</p> <p>حُرَّ : آزاد ، آزاده</p> <p>حِصَّة : زنگ درسی ، قسمت</p> <p>حِفاظِ عَلِي : نگهداری از</p> <p>حَنَفِيَّةُ الْمَاءِ : شیر آب</p> <p>دَوَام مَدْرَسِي : ساعت کار مدرسه</p> <p>دَوْرَةُ الْمِيَاهِ : سرویس بهداشتی</p> <p>رَمَى : پرت کرد</p> <p>عِنْدِيذ : در این هنگام</p> <p>فَرَعٌ : خالی شد</p> <p>قَام : برخاست</p> <p>مَارَسَ : انجام داد ، تمرین کرد</p> <p>مَرَاقِقُ عَامَّة : تأسیسات عمومی</p> <p>مُغْلَق : بسته شده</p>	<p>أَحْسَنْتَ : آفرین بر تو</p> <p>أَخْبَرَ : خبر داد</p> <p>إِصْطِفَافِ صَبَاحِي : صف صبحگاه</p> <p>أَطْفَأ : خاموش کرد</p> <p>أَعْمَدَةٌ : ستون ها « مفرد : عمود »</p> <p>أَعْلَقَ : بست</p> <p>إِقْتِرَاح : پیشنهاد</p> <p>إِمْتَاكَ : مالک شد</p> <p>إِنْتَفَعَ : سود بُرد</p> <p>بَهَائِم : چارپایان (به جز درندگان)</p> <p>(« مفرد : بَهِيمَةٌ »</p> <p>بِقَاع : قطعه های زمین</p> <p>(« مفرد : بُقْعَةٌ »</p> <p>تَعَاوَنَ : همیاری کرد</p> <p>تَيَّار : جریان</p>
---	--	---

اعلموا

اعداد اصلی و ترتیبی

❖ عدد و معدود :

❖ **عدد** : کلمه ای است که بر شمارش چیزی یا ترتیب آن دلالت می کند.

❖ **معدود** : کلمه ای است که شمرده می شود.

مثال : ثلاثة كُتُبٍ : سه کتاب / اثناعشرَ طالِباً : دوازده دانش آموز

❖ تقسیم بندی اعداد : (اصلی و ترتیبی)

(۱) اعداد اصلی : (شمارشی)

بر شمارش و تعداد دلالت دارند. مثال : واحد (۱) / اثنان (۲) / ثلاثة (۳) و ...

◆ اعداد اصلی بر چهار نوع اند :

- ۱- اعداد مفرد (۱ تا ۱۰ - ۱۰۰ - ۱۰۰۰ - ۱۰۰۰۰۰۰)
- ۲- اعداد مرکب (۱۱ تا ۱۹) که میان دو تا عدد حرف « واو » نمی آید.
- ۳- اعداد عقود (۲۰ - ۳۰ - ۴۰ - ... - ۹۰)
- ۴- اعداد معطوف (۲۱ تا ۹۹) که میان دو تا عدد حرف « واو » عطف می آید.

(۲) اعداد ترتیبی :

بر ترتیب ، رتبه و مقام دلالت دارند و بجز عدد « **الأول ، الأولى** » بقیه بر وزن « **الفاعل (الفاعلة)** » می آیند

و در ترجمه با (م یا مین) می آیند. مثال :
الأول (الأولى) : **یکم (اول ، اولین)** / الثاني (الثانية) : **دوم ، دومین**
الثالث (الثالثة) : **سوم ، سومین** و ...

❖ تشخیص اعداد ترتیبی : (بسیار مهم)

- ۱- الأول (الأولى)
- ۲- اعدادی که بر وزن « **الفاعل** » یا « **الفاعلة** » می آیند.
- ۳- اعداد عقودی که همراه « **ال** » بیایند.

🌟 **نکته مهم :** عدد « **الواحد** » یا « **الواحدة** » با اینکه بر وزن « **الفاعل** یا **الفاعلة** » آمده عدد ترتیبی نیست بلکه

عدد اصلی به شمار می رود. مثال : الأول (**یکم**) ، الثامن (**هشتم**) ، الأربعین (**چهل**)
الثالث عشر (**سیزدهم**) ، السابع والثلاثون (**سی و هفتم**) و

✽ عین الصحیح للفراغین : « ذهب مع أسرتی الى سفرة يوم الاحد ، طالت سفرتنا ثلاثة أيام . رجعنا فی الساعة السابعة

صباحاً ، كنا خمس ساعات فی الطريق . فوصلنا فی الساعة من يوم الى بيتنا. » (سراسری تجربی ۹۹)

١) الثانی عشر / الثلاثاء (٢) **الثانية عشرة / الأربعاء** (٣) الثاني عشر / الأربعاء (٤) الثانية عشرة / الثلاثاء

* عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ : « نَجَحَ سَعِيدٌ فِي الْمَسَابِقَةِ وَ حَصَلَ عَلَى الْجَائِزَةِ الذَّهَبِيَّةِ ، فَهُوَ الْفَائِزُ » . (سراسرى رياضى ٩٩)

١) الأحد (٢) **الأول** (٣) الواحد (٤) الأولى

☆ نکات مهم اعداد :

١- حكم اعداد (١ و ٢) :

١- معدود + عدد

٢- نقش أنها صفت است به شرطی که معدود قبلش بیاید و در جنس تبعیت می کنند.

واحد - واحدة : (**یک**) / اثنان - اثنتان - اثنتين - اثنین : (**دو**) مثال :

١- جاءَ رَجُلٌ واحدٌ و امرأةٌ واحدةٌ .

معدود عدد (صفت) معدود عدد (صفت)

٢- جاءَ رَجُلَانِ اثنان و امرأتان اثنتان .

معدود عدد (صفت) معدود عدد (صفت)

٣- أذكُرُ في أعمالِكَ اليوميَّةِ اثنين : الصدقُ و الوفاءُ بالعهدِ ! (چون معدودش نیامده صفت نیست)
مفعول

٢- حكم اعداد (٣ تا ١٠) :

١- عدد + معدود

٢- معدود جمع و مجرور است

٣- از نظر جنس بر عکس هم می آیند. مثال :

٢- رأيتُ خَمْسَ طالباتٍ .
عدد معدود (مضاف إليه)

١- جاءَ ثلاثَةُ رجالٍ .
عدد معدود (مضاف إليه)

(مؤنث) ≠ (مذکر)

(مؤنث) ≠ (مذکر)

٣- معدود اعداد (١١ تا ٩٩) :

مفرد و منصوب هستند. مثال : إني رأيتُ أَحَدَ عَشَرَ كوكباً .
عدد (١١) معدود (مفرد و منصوب)

۴- نگارش اعداد دو رقمی :

در نگارش اعداد دورقمی ابتدا یکان و سپس دهگان را می نویسیم. (بر عکس نگارش فارسی) مثال :
 ۲۳ : **ثلاثة و عشرون** / ۴۵ : **خمسة و اربعون** / ۶۸ : **ثمانية و ستون**

۵- نگارش اعداد سه رقمی :

در نگارش اعداد سه رقمی به ترتیب « صدگان ، یکان و دهگان » را می نویسیم. مثال :
 ۱۳۴ : **مئة و اربعة و ثلاثون** / ۲۵۷ : **مئتين و سبعة و خمسين** / ۳۶۹ : **ثلاثمئة و تسعة و ستون**.

۶- اعداد عقود :

اعداد عقود همراه « **أد** » ترتیبی و بدون « **أف** » اصلی هستند. مثال :
 ثلاثون : (سی) / الثلاثون : (سی ام) / أربعون : (چهل) / الأربعون : (چهلم)
 * **نکته مهم** : اعداد عقود هیچوقت آخرشان تنوین نمی گیرند. مثال :
 (۱) عشرين ✗ (۲) عشرين ✗ (۳) عشرين ✗ (۴) عشرين ✓

* **عین الخطأ** فی ضبط حركات الكلمات : (سراسری اختصاصی انسانی ۹۸)

- ۱) الطلاب المؤدبون محترمون عند المعلمين !
- ۲) سامحيني ، أنت على الحق ، أبدل لك البطاقة !
- ۳) من فضلك أعطني بطاقة بمبلغ خمسة و عشرين ريالاً ! ✗
- ۴) لبلادنا تجارب كثيرة في صناعة نقل النفط عبر الأنابيب !

۷- نگارش اعداد ۱۰۰ - ۲۰۰ - ۳۰۰ - ... - ۱۰۰۰ :

(۱) مئة (مئة) : (۱۰۰) (۲) مئتين (مائتين) : (۲۰۰) (۳) ثلاثمئة : (۳۰۰) (۴) ألف : (۱۰۰۰)

۸- درصد در زبان عربی :

در عربی برای گفتن درصد از ساختار (**عدد + فی المئة یا عدد + بالمئة**) استفاده می کنیم.
 مثال : ۵۰٪ : خمسون فی المئة (بالمئة) / ۶۵٪ : خمسة و ستون فی المئة (بالمئة)

۹- اعداد کسری ریاضی در عربی :

اعداد کسری در عربی بر وزن « **فعل** » می آیند.

مثال : ثلث : یک سوم ، ربع : یک چهارم ، خمس : یک پنجم و ...

۱۰- فنّ ترجمه اعداد :

معدود هر چند جمع باشد در ترجمه بصورت مفرد معنا می شود . مثال :

ثلاثة کُتُب : سه کتاب / خمسة رجال : پنج مرد

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ : تَرْجِمِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.

- | | |
|-------------------|---------------------------|
| هفتاد مرد | ٢) سبعين رجلاً. |
| پانزده مجسمه | ٣) خمسة عشر تمثالاً . |
| بيست و يك دانشگاه | ٤) واحدة و عشرون جامعةً. |
| شانزده شهر | ٥) سِتّ عشرة مدينةً. |
| نود و نه گاو | ٦) تسع و تسعون بقرةً . |
| سى و هفت باغ | ٧) سبع و ثلاثون حديقةً . |
| هفتاد و يك روستا | ٨) واحدة و سبعون قريةً . |
| هشتاد و دو سال | ٩) اثنان و ثمانون عاماً . |
| بيست و نه صندلی | ١٠) تسعة و عشرون كرسيّاً. |

في مطار النجف الأشرف (در فرودگاه نجف

مساء الخير يا حسن .	مساء الخير يا عزيز .
التمرين الأول: اكتب العمليات الحسابية التالية بلل أعداد كالمثال.	
(ايا جنابعالی اهل عراق هستی ؟)	(نه ، من اهل كويت هستم . ایا تو اهل پاکستانی ؟)
لا، أنا إيراني. كم مرة جئت للزيارة ؟	جئت للمرة الأولى، و كم مرة جئت أنت ؟
(نه ، من ایرانی هستم . چند بار برای زیارت آمدی ؟)	(بار اول آمدم ، و تو چند بار آمدی ؟)
أنا جئت للمرة الثانية.	كم عمرک ؟
(من برای بار دوم آمده ام .)	(چند سالت هست ؟)
عمری ستة عشر عاماً.	من أي مدينة أنت ؟
(شانزده سالم است .)	(تو از کدام شهری ؟)
أنا من مدينة جويبار في محافظة مازندران.	ما أجمل غابات مازندران و طبيعتها !
(من اهل شهر جویبار در استان مازندران هستم .)	(جنگل های مازندران و طبیعتش چه زیباست !)
هل ذهبت إلى إيران من قبل ؟	نعم ، ذهبت لزيارة الإمام الرضا ، ثامن أمتنا (ع).
(آیا پیش از این به ایران رفتی ؟)	(بله برای زیارت امام رضا، هشتمین امامان رفتم.)
كيف وجدت إيران ؟	إن إيران بلاد جميلة جداً ، و الشعب الإيراني شعب مضياف.
(ایران را چگونه یافتی ؟)	(ایران کشوری بسیار زیبا است و مردم ایران مردمی مهماندوست هستند.)

کھ التمارين

(+ زائد) (- ناقص) (+ تقسيم على) (× في ، ضرب في)

× ۳ = ۳۰ کھ

۱۰ ۰۰۰۰ (۱) عشرة في ثلاثة يساوي ثلاثين.

۱۰

۹۰ - ۱۰ = ۸۰

(۲) تسعون ناقص عشرة يساوي ثمانين.

۱۰۰ ÷ ۵ = ۲۰

(۳) مئة تقسيم على خمسة يساوي عشرين.

۶ × ۱۱ = ۶۶

(۴) ستة في أحد عشر يساوي ستة وستين.

$$۷۵ + ۲۵ = ۱۰۰$$

۵) خمسة و سبعون زائد خمسة و عشرين يساوي مئة.

$$۸۲ \div ۲ = ۴۱$$

۶) اثنان و ثمانون تقسيم على اثنین يساوي واحداً و أربعين.

۱) التمرين الثاني : اكتب في الفراغ عدداً ترتيبياً مناسباً.

ته روز يكشنبه است.

۲) اليوم السادس من أيام الأسبوع يوم الخميس. روز ششم از ايام هفته روز پنجشنبه است.

۳) الفصل الرابع في السنة الإيرانية فصل الشتاء. فصل چهارم در سال ايراني فصل زمستان است.

۴) الفصل الثالث في السنة الإيرانية فصل الخريف. فصل سوم در سال ايراني فصل پاييز است.

۵) يأخذ الفائز الأول جائزة ذهبية و الفائز الثاني جائزة فضية. برنده اول جايزه طلايي و برنده دوم جايزه نقره

ای می گیرد.

التمرين الثالث : ضع في الدائرة العدد المناسب. « كلمة واحدة زائدة »

- | | | |
|-------------------------------------|---|--------------|
| إعطاء حلّ و بيان طريقة للقيام بعمل. | ۵ | النشاط (۱) |
| آلة لنقل الأصوات من مكان إلى آخر. | ۴ | الدوام (۲) |
| ساعات العمل للموظفين و العمال. | ۲ | الحصّة (۳) |
| هو الذي يعيش معنا في وطن واحد. | ۶ | الهاتف (۴) |
| عمل يتحرك و سرعة. | ۱ | الاقتراح (۵) |
| | | المواطن (۶) |

ترجمه تمرين سوم

- | | |
|---|----------------------|
| کاري با حرکت کردن و سرعت. | (۱) فعالیت |
| ساعت کار کارمندان و کارگران. | (۲) ساعت کاری |
| کلمه اضافه است. | (۳) زنگ درسی ، قسمت |
| وسیله ای برای انتقال صدا ها از جایی به جای دیگر | (۴) تلفن |
| | است. |
| راه حل و بیان روشی برای اقدام به کاری است. | (۵) پیشنهاد دادن |
| او کسی که با ما در یک وطن زندگی می کند. | (۶) شهروند ، هم میهن |

التمرین الرابع : ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. « كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ »

- (۱) { وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا }
- قطعا ما نوح را به سوی قومش فرستادیم پس او در میان آنان ۹۵۰ سال اقامت کرد.
- (۲) { مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا }
- هرکس نیکی بیاورد ده برابر مانند آن دارد.
- (۳) سَافَرْنَا إِلَى قَرْيَةٍ ، لِأَنَّنا بِحَاجَةٍ إِلَى الْهُدُوءِ .
- به روستایی سفر کردیم ، زیرا ما به آرامش نیاز داریم.
- (۴) الْجِيرَانُ أَخْبَرُونَا بِمَا حَدَّثَ فِي الشَّارِعِ .
- همسایگان از آنچه در خیابان اتفاق افتاد ، به ما خبر دادند.
- (۵) أَنْزَلَ الْعَامِلُ الْبِضَائِعَ فَفَرَعَتِ السَّيَّارَةُ .
- کارگر کالاها را پایین آورد پس ماشین خالی شد.
- (۶) هَلْ يَمْتَلِكُ أَبُوكَ أَرْضًا فِي الْقَرْيَةِ ؟
- آیا پدرت زمینی در روستا مالک است ؟
- (۷) لَيْسَتْ فِي الْفُنْدُقِ حُجْرَةٌ فَارِغَةٌ .
- در هتل یک اتاق خالی نیست.

التمرین الخامس : تَرَجِّمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ

- (۱) ... الكلب يفدر على سماع صوت الساعة من مسافة أربعين قدما ؟
- آیا می دانی که سگ می تواند صدای ساعت را از فاصله چهل قدمی بشنود ؟
- (۲) ... النملة تقدر على حمل شيء يفوق وزنها خمسين مرة ؟
- آیا می دانی که مورچه می تواند چیزی را جا به جا کند که پنجاه برابر بالاتر از وزنش است ؟
- (۳) ... ثمانين في المئة من موجودات العالم حشرات ؟
- آیا می دانی که هشتاد درصد موجودات جهان حشرات هستند ؟
- (۴) ... طول قامة الزرافة ستة أمتار ؟

آیا می دانی که بلندی قد زرافه شش متر است ؟
 (۵) ... الغراب يعيش ثلاثين سنة أو أكثر ؟
 آیا می دانی که کلاغ سی سال یا بیشتر زندگی می کند ؟

التمرین السادس : عین العدد أو المعدود الصحیح للفراغ.

- | | | |
|---|---|--|
| <input type="checkbox"/> العاشِر | <input checked="" type="checkbox"/> | در صف صبحگاه در ده صف ایستادیم. |
| <input checked="" type="checkbox"/> لاعِباً | <input type="checkbox"/> لاعِبِينَ | ۲- يَلْعَبُ أَحَدَ عَشَرَ في فريقِ كُرَةِ الْقَدَمِ.
یازده بازیکن در تیم فوتبال بازی می کنند. |
| <input type="checkbox"/> جُنْدِيٌّ | <input checked="" type="checkbox"/> جُنُودٍ | ۳- أربعةٌ واقِفُونَ أمامَ بابِ الْمُنْظَمَةِ.
چهار سرباز جلو درب پادگان ایستاده اند. |
| <input checked="" type="checkbox"/> أربَعٍ | <input type="checkbox"/> الرّابِعِ | ۴- تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ في حُجْرَاتٍ مَقْطُوعٍ.
جریان برق در چهار اتاق قطع شده است . |
| <input type="checkbox"/> أقمار | <input checked="" type="checkbox"/> قَمَرَانِ | ۵- اثْنانِ حَوْلَ كَوْكَبِ الْمَرِيخِ.
دو ماه پیرامون سیاره مریخ هست. |
| <input type="checkbox"/> أنابيب | <input checked="" type="checkbox"/> أنبوبةٌ | ۶- واحدةٌ في الحديقةِ مغلقةٌ.
یک لوله در باغ بسته شده است. |

ردیف	سوال	بارم
۱	<p>ترجم العبارات بالفارسیة :</p> <p>۱- هل تعلم أن ثمانين في المئة من موجودات العالم حشرات ؟</p> <p>۲- المرافق العامة هي الأماكن التي تمتلكها الدولة .</p> <p>۳- سمعت سمية صوت مكيف الهواء من إحدى الحجرات .</p> <p>۴- كانت فاطمة تذهب لإغلاق حنفية الماء التي كانت مفتوحة قليلا .</p>	<p>۰/۵</p> <p>۰/۵</p> <p>۰/۵</p> <p>۰/۵</p>
۲	<p>ترجم الكلمات التي تحتها خط :</p> <p>۱- الشعب الإيراني شعبٌ مضافٌ .</p> <p>۲- التعلُّقُ تقدُّرٌ على حملِ أشياء ثقيلة .</p>	<p>۰/۵</p>
۳	<p>أكمل الفراغ بالترجمة المناسبة :</p> <p>۱- أغلقت فاطمة حنفية الماء = فاطمه شیر آب را . _____</p> <p>۲- تلك التلميذة كُصِّحَ من يرمي التفاياات في غير مكانيها بكلامٍ طيبٍ :</p> <p>آن دانش آموز کسی را كه _____ را در مكان نامناسب پرت می کند با سخن خوب _____</p>	<p>۰/۷۵</p>
۴	<p>كُتب المطلوب للكلمات التالية :</p> <p>هاتف ← جمع _____</p> <p>أعمدة ← مفرد _____</p>	<p>۰/۵</p>
۵	<p>كُتب العمليات الحسابية التالية :</p> <p>۱- ستة و ثمانون زائد أربعة عشر يساوي مئة . _____</p> <p>۲- سبعة في خمسة يساوي خمسة و ثلاثين . _____</p> <p>ب- أكمال الفراغ بالعدد المناسب علي الترتيب :</p> <p>_____ - عشرون - _____ - إثنان و عشرون</p>	<p>۱</p>
۶	<p>أجب بالعربية :</p> <p>الف) كم عمرك ؟</p> <p>ب) من أي محافظة أنت ؟</p>	<p>۱</p>

٧٥	<p>٧</p> <p>اكتب في الفراغ عدداً ترتيبياً مناسباً :</p> <p>١- اليومُ من أيام الأسبوع يوم الثلاثاء .</p> <p>٢- الفصلُ في السنة الإيرانية فصل الصيف .</p> <p>٣- دفن الإمام في مشهد .</p>	
١	<p>٨</p> <p>عين العدد أو المعدود الصحيح للفراغ :</p> <p>١- طول قامة الزرافة سنه (أمتار ، متراً)</p> <p>٢- يلعب لاعباً في فريق كرة القدم . (أحد عشر ، خمسة عشر)</p> <p>٣- واحدة في الصف . (تلميذ ، تلميذة)</p> <p>٤- تيار الكهرباء في حُجراتٍ مقطوع . (الرابع ، أربع)</p>	
١	<p>٩</p> <p>ضع في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية : « كلمتان زائدتان »</p> <p>(حجرة - الحصنة - عشر - فرغت - ذهبية - الهدوء)</p> <p>١- هي ساعات العمل للموظفين و العمال .</p> <p>٢- أنزل العامل البضائع ف..... السيارة .</p> <p>٣- سافرنا إلى قرية ، لأننا بحاجة إلى</p> <p>٤- يأخذ الفائز الأول جائزة</p>	
٧٥	<p>١٠</p> <p>عين نوع الأفعال ثم ترجمها :</p> <p>١- أذكر لنا أمثلة للمرافق العامة .</p> <p>٢- الكلب يقدر علي سماع صوت الساعة من بعيد</p> <p>٣- « قلبت فيهم ألف سنة إلا خمسين عاماً »</p>	
١٠	<p>جمع نمرات</p> <p>(نظري)</p> <p>« و من الله التوفيق و عليه التكلان »</p>	